

هل يوجد تعارض بين روايات الرجعة والمهدين ؟ آيا بين روايات رجعت و روايات مهدين تعارض وجود دارد؟

الرجعة مما تواترت بذكرها إجمالاً روايات أهل البيت :
رجعت که بیان آن به طور کلی به تواتر در روايات اهل بیت (ع) آمده است:

قال العلامة المجلسي: (كيف يشك مؤمن بحقية الأئمة الأطهار فيما تواتر عنهم في قريب من مائتي حديث صريح، رواها نيف وأربعون من الثقات العظام والعلماء الأعلام في أزيد من خمسين من مؤلفاتهم وإذا لم يكن مثل هذا متواتراً، ففي أي شيء يمكن دعوى التواتر مع ما روته كافة الشيعة خلفاً عن سلف) ([40]).

علامه مجلسی می گوید: «چگونه مؤمن می تواند به حقانیت ائمه اطهار (ع) در روایات متواتر ایشان که نزدیک به دویست حدیث صریح و معتبر است، شک و تردید روا بدارد؛ احادیثی که چهل و اندی از ثقات عظام و علمای اعلام در بیش از پنجاه جلد از تألیفاتشان به بیانش پرداخته اند... و اگر مانند این، تواتر به حساب نیاید، پس با چه چیزی برای آنچه تمام شیعه از گذشتگان خود روایت کرده اند می توان ادعای تواتر کرد». ([41]).

وقال الحر العاملي: (إنّ أحاديث الرجعة ثابتة عن أهل العصمة لوجودها في الكتب الأربعة وغيرها من الكتب المعتمدة، وكثرة القرائن القطعية الدالة على صحتها وثبوت روايتها، على أنها لا تحتاج إلى شيء من القرائن لكونها قد بلغت حد التواتر، بل تجاوزت ذلك الحد، وكل حديث منها يفيد العلم مع القرائن المشار إليها، فكيف يبقى شك مع اجتماع الجميع) ([42]).

و حرّ عاملی گوید: «احادیث رجعت به علت وجودشان در کتب اربعه و دیگر کتب معتبر و کثرت و فزونی قرائن قطعی که بر صحت و ثبات روایت شدن آنها از اهل

عصمت (ع) دلالت می‌کنند، ثابت شده هستند و بر این اساس به هیچ قرینه دیگری نیاز ندارند؛ چراکه به حد تواتر رسیده و حتی از این حد نیز تجاوز کرده‌اند و هر حدیث آن به همراه قرائن اشاره شده، علم نتیجه می‌دهد؛ پس با وجود این همه ارجاع و وحدت کلام، دیگر چه شک و تردیدی باقی می‌ماند!». [43]

وأما أنّ أئمة الهدى ذكروا الرجعة إجمالاً؛ فباعتبار أنهم صرّحوا أنّ زمان بیان التفاصيل العظيمة المرتبطة بالرجعة لم يأت بعد، وأمره موکول إلى القائم (ع).
اما ائمه هدايت، رجعت را به طور کلی و اجمالی بیان فرموده‌اند؛ چراکه ایشان تصریح فرموده‌اند که زمان بیان جزئیات و تفصیل عظیم و مرتبط با رجعت هنوز فرا نرسیده است و امر آن موکول به قائم (ع) می‌باشد.

عن زرارة قال: (سألت أبا عبد الله (ع) عن هذه الأمور العظام من الرجعة وأشباهها، فقال: إن هذا الذي تسألون عنه لم يجئ أوانه ..) [44].
از زرارہ روایت شده است: از اباعبدالله امام صادق (ع) در مورد این امور عظیم از رجعت و امثال آن سؤال کردم، حضرت فرمود: «زمان آنچه درباره‌اش می‌پرسید هنوز فرا نرسیده است...» [45].

فلو أنّ العلماء بعد معرفتهم بذلك، تركوا الخوض في تفاصيل الرجعة لما أوقعوا أنفسهم فيما أوقعوها فيه، وكفوها مؤنة التقول وطرح الاقتراحات والتأويلات في دين الله، والتي أدت ببعضهم إلى تصور المعارضة بينها وبين روايات المهديين من ذرية الامام المهدي (ع).

اگر علما پس از دانستن این مطلب از غور کردن در جزئیات و تفصیل رجعت اجتناب می‌کردند، خود را در مخمصه‌ای که گرفتار کردند، وارد نمی‌نمودند و رنج بیان گفته‌ها، طرح نظرات و پیشنهادات و تأویلات در دین خدا را به جان

نمی‌خریدند؛ همان گرفتاری که برخی از آن‌ها را به آنجا رساند که تصور کردند روایات رجعت با روایات مهدیین از ذریهٔ امام مهدی (ع) در تعارض هستند!

هذا، وروایات المهدیین هي الأخرى متواترة، ووردت بكثرة في مصادر الشيعة عن أغلب أئمة أهل البيت، وقام أنصار الامام المهدي (ع) بتخريجها في العديد من كتبهم، وهي منشورة في الموقع الرسمي لهذه الدعوة المباركة وبوسع الجميع الرجوع إليها [46].

این یک مطلب؛ روایات مهدیین، روایات متواتر دیگری هستند و در منابع شیعه، از بیشتر ائمه (ع) روایت شده و انصار امام مهدی (ع) آن‌ها را در بسیاری از کتبشان بیان کرده و در سایت رسمی این دعوت مبارک منتشر شده‌اند و امکان رجوع همگان به آن‌ها وجود دارد. [47]

يقول السيد أحمد الحسن (ع): [.. هناك روايات كثيرة متواترة تقول إنّ هناك اثنا عشر مهدياً من ولد الامام المهدي (ع) وهم خلفاء الله في أرضه، وهناك روايات كثيرة أيضاً قالت بأنّ هناك رجعة، إذن الأمران العقائديان ثابتان بروايات كثيرة ومتواترة، ومنكر أحدهما إما جاهل لم يسعفه عقله وما عنده من علم أن يجمع ويوفق بين الروايات بصورة صحيحة مقبولة، أو أنه معاند مكابر يريد أن يغطي الشمس بغربال، وإلا فما معنى إنكار حقيقة وردت في روايات كثيرة ورواها علماء الشيعة جيلاً عن جيل؟! ...].

سید احمد الحسن (ع) می‌فرماید: «...روایات متواتر بسیاری هست که بیان می‌دارند دوازده مهدی از فرزندان امام مهدی (ع) وجود دارند و آنان خلفا و جانشینان خداوند بر زمینش هستند؛ و روایات بسیاری نیز بیان می‌دارند که رجعت وجود دارد؛ پس این دو امر عقایدی ثابت شده بر اساس روایات بسیار و متواتر می‌باشند و منکر یکی از آن‌ها یا جاهلی است که عقلش او را در ادراک یاری نمی‌رساند و علمی ندارد تا بین این روایات، به صورت صحیح قابل قبول، جمع و سازش ایجاد نماید، یا او متکبر و معاندی است که می‌خواهد خورشید را با غربال

پوشاند؛ وگرنه انکار حقیقتی که در روایات بسیاری آمده است و علمای شیعه نسل به نسل آن را نقل نموده اند چه معنایی خواهد داشت؟».

هذه هي الحقيقة الغائبة عن العلماء، مع أنها أكيدة التحقق بعد أن قطعها آل محمد وعداً لشيعتهم: (إن هذا الذي تسألون عنه لم يجئ أوانه)، وكان حرياً بهم انتظار ذلك وعدم الخوض في بيانه فضلاً عن أن يحددوا فهماً بأوهامهم ثم يحكمون بطرح ما خالفه.

این همان حقیقت پوشیده از علماست؛ علی‌رغم محقق شدن قطعی آن و پس از اینکه آل محمد (ع) در وعده‌ای به شیعیان آن را قطعی ساخته‌اند: «زمان آنچه در موردش می‌پرسید، هنوز فرا نرسیده است»؛ و شایسته بود آن‌ها به انتظار آن می‌نشستند و در بیان آن وارد نمی‌شدند، چه رسد به اینکه با توهم و خیال‌پردازی خود، برای آن مفهومی مشخص کنند و سپس با مطرح ساختن آنچه در تضاد با آن است، حکم صادر کنند!

[40]. بحار الأنوار: ج 53 ص 122.

[41]- بحار الأنوار: ج 53، ص 122.

[42]. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة: ص 56.

[43]- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة: ص 56.

[44]. مختصر بصائر الدرجات: ص 24.

[45]- مختصر بصائر الدرجات: ص 24.

[46]. منها: (الأربعون حديثاً في المهديين وذرية القائم)، و(المهديين في حديث أهل البيت)، و(المهدي والمهديين في القرآن والسنة)، و(ما بعد الاثني عشر إماماً)، و(جامع الأدلة)، و(البينات على أحقية الوصي أحمد الحسن)، و(المحكّمات على أحقية الوصي أحمد الحسن)، وغيرها.

[47]- از جمله: کتاب‌های «چهل حدیث در مورد مهدیین و ذریه قائم»، «مهدیین در احادیث اهل بیت»، «مهدی و مهدیین در قرآن و سنت»، «پس از دوازده امام»، «جامع الأدلة»، «بیتات بر حقانیت وصی، احمد الحسن»، «محکمات بر حقانیت وصی، احمد الحسن» و موارد دیگر.